

## تعلیمات دینی

۱۰- تعلیم و تشویق با اسلام باید طبق تاکید قرآن خالی از مفاخر و امتیاز جوئی بوده بشاگردان «لانفرق بین احد من رسول و نحن له مسلمون» بگوئیم. خدا و دین خدا رایکی دانسته کلیه خدا پرستان واقعی و موحد را که پرهیز کار و نیکوکار باشند رستگار بدانیم و خود را مشمول آیه «و تقطعوا امرهم بینهم زبراً کلاً حزب بما لیدبهم فرعون» ننمائیم.

۱۱- در مبحث اصول عقاید پس از رهایی از قید تربیت قدیمی (توحید- نبوت- عدل امامت- معاد) ترتیب ذیل را که گمان میکنند همان پیش آمد واقعی طبیعی و راهی است که مسلمانان صدر اسلام از آن راه وارد مدینه ایمان شدند پیشنهاد مینماید: ابتداء با استفاده از تاریخهای مسلم و استناد بروایات مخالفین سعی میکنیم شخصیت و خصوصیات پیغمبران اولوالعزم و مخصوصاً پیغمبر آخر الزمان را که تاریخ مدون روشن مسلمی دارد بشاگردان بشناسانیم (همانطور که اعراب برخورد اولشان با اسلام برخورد با شخص پیغمبر بود و قرآن مخصوصاً استناد میفرماید که این شخص چهل سال میان شما زندگی میکند و او را خوب میشناسید خود پیغمبر نیز در اولین مجلس که برای دعوت قریش ترتیب داده بود سابقه صداقت و امانت خویش را سؤال کرد) پس از آنکه شاگرد طبق شواهد تاریخی شمه‌ای از افکار و مخصوصاً مبارزات پیغمبر و ائمه هدی (ع) را شنید، باید آریه‌های دشوار و فدا کاریهای بی‌شمار آنها را دید و باین نکته برخورد که در این مبارزات

هیچگونه غرض و طمع نداشتند و ما استلکم علیه من اجران الاعلی الله می گفتند و از طرف دیگر بلاحاظ استعداد های بشری و فضائل اخلاقی و آثار اجتماعی سر آمد دیگران بشمار میرفتند و بنمونه های متعدد از صداقت و امانت آنها بر خورد کرد برای قبول صداقت و حق و حقیقت رسالت آنها آماده میشد و باین ترتیب نبوت رانه بعنوان يك امر تمهیلی فلسفی خواهد پذیرفت بلکه بعنوان يك واقعیت تاریخی طبیعی تلقی مینماید پس از ذکر تاریخ پیغمبر و سرگذشت امامه معصومین یعنی مجاهدین طریق حق موقع آن میرسد که چسسته و گریخته آیات چندی از قرآن و جمله های از خطب حضرت امیر و کلمات پیغمبر و امامه اطهار بشاگردان خوانده شود این آیات و تعلیمات نظر بحقیقت و عظمت خود و نفوذی که حق و کمال در فطرت اشخاص سالم دارد بهمان ترتیب که در اعراب بدوی بیسواد بی فهم معاصر حضرت مؤثر می افتاد و آنها را و اله و مؤمن میکرد روح پاک جوانان و طبع فطری غالب آنها را مانند مغناطیس مجذوب خواهد کرد و بیش از پیش بقبول صدق نیت پیغمبر و جلالات وحی نزدیک خواهد کرد. در این موقع میتوان یکی دو درس بمعرفی قرآن و چگونگی نزول آیات و آثار آن اختصاص داده پیغمبر و کتاب خدا را بیشتر بجوانان معرفی کرد (همانطور که خود اسلام باهل مکه و اهل عالم معرفی شد و بهیچوجه با توسل به استدلال های فلسفی و تربیت تصنعی فقها از اثبات صانع شروع نکرد).

پرستش يك وجود اعلا و قبول صانع از فطری ترین مدارکات بشری است و اتفاقاً سعی انبیاء سلف و حضرت ختمی مرتبت کمتر در اثبات وجود خدا بوده است تا در هدایت بسوی توحید و سادگی یعنی تخریب خرافات و مبارزه با شرک. آنها لایعبدوا الا الله بیشتر میگفتند تا عبادوا الله و امروزه ترس از شرک و بت پرستی که سابقاً بشر را تهدید می کرده است فوق العاده کمتر می باشد بنابراین روی مبحث توحید و صفات نبوتیه و سلمیه حاجت نیست زیاد معطل شویم فقط چون تبلیغات مادیون اذهان جوانان را ممکن است بعداً مشوب کنند و با توسلی که آنها بسفسطه و فلسفه مادی میجویند لازم است در کلاسهای بالا با استفاده از همان مبانی علمی و تجربی امروز ضمن دروس چندی بجواب ورد اشکالات

بی دین‌داری خداها برداخته بعد از نبوت یعنی شناختن شخصیت و رسالت حضرت پیغمبر و مختصر آشنائی باقرآن و توحید و توحیدی که پیش می‌آید و در عصر معاصر لزوم آن بیش از پیش محسوس میگردد مسئله قیامت است بویچوجه صحیح نیست که آخرت در آخر بیاید بلکه همانطور که سوره‌های اولیه قرآن بیشتر اختصاص و اصرار در قیامت و عذاب و نواب آخرت داشته است و دستاویز را بصورت يك تحول و تکان کلی طبیعت و تجدید حیات بعد از خاموشی همسطحی بر سبیل احمیای زمین در فصل بهار معرفی فرموده است شاگردان را از ابتداء خوب است از عواقب و آثار اعمال و امکان دستاویز و حشر و نشر بر حذر داشت. علوم امروز اسناد محکمی از بقای اجسام و انرژیها و حفظ وقایع و آثار در دست ما میدهد تجربه تاریخ و جامعه شناسی نیز ثابت کرده است که در خود دنیا نیز نظام و حساب متقنی گذشته و آینده اجتماعات را بهم پیوند میدهد و علم هیئت نمونه‌های زیاد از واژگون شدن و درهم زبختن کرات خاموش و افلاک مرده و ایجاد دنیای نوین با مصالح قدیم سراغ میدهد بطوریکه سهولت میتوان با تاسی و اقتباس از رویه محکم و مکرر قرآن که رجعت و نشور را تشبیه با حمیای مجدد زمین بعد از مرگ زمستانی مینماید از شدت احجاب و انکار مستمعین در قبول فرضیه قیامت کاست و در وهله اول آنها را حاضر نمود لاقلاً برای رعایت احتیاط حساب آخرت و امکان عکس العمل اعمال را در حساب دنیاشان تا اندازه‌ای وارد سازند. در دروس بعدی که علاقه و عقیده شاگردان بشخصیت و صداقت پیغمبر و حقیقت قرآن زیاد شد حالت انکار که مبدل باشکال شده است بحالت امکان و اعتقاد نزدیک خواهد شد و رفته رفته مسئله قیامت را که مخصوصاً اگر از دریچه مثبت و ابقای اعمال و خاصیت خلاقیت اراده‌ها بحث شده باشد يك امر نسبتاً طبیعی نزدیک بمسلم خواهند پذیرفت.

راجع بمسئله عدل وقتی شخص قبول کرد که نظم و اساس بسیار منظم متقن بر سراسر وجود حکومت نموده غیر از آن چیز دیگری قابل ظهور و اثر نیست؟ فقط با تبعیت و توافق با مقررات طبیعت است که انسان موفق بدارد مقصود میشود عمل طبیعت و واقعیت را که حکم خدا است مملک حکمت و دستور العمل زندگی و شرط هر پیشرفت و ایجاد می خواهد شناخت

در این صورت عدالت را مترادف با مشیت خالق و عین واقعیت دانسته اطاعت و تمکین خود (و هر موجود و نظامی) را از این نظام کلی یکک امر انحصاری بدیهی تلقی خواهد کرد. منتها چون در ذهن انسان گاهی اوقات در اثر برخورد حوادث و انقلابات طبیعی و مشاهده مظالم و عوامل نامطلوب این ایراد پیدا میشود که چرا باید بلا و ظلم و بدبختی درد دنیا باشد باید شاگرد را با اشاره بآیات متعدد قرآن متوجه ساخت که اولاً بیشتر بدبختیها و مظالم نتیجه مفاسد شخصی و اجتماعی و تقصیر خود ما میباشد و صدمات و آلام وسیله ای برای تنبیه و برگشت انسان بر او خیر میباشد ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس لئذ یقههم بعض الذی عملوا العلمهم یرجعون از طرف دیگر خداوند با انسان اختیار و وسیله و وظیفه داده است که شخصاً در مقام دفع شر و رفع ظلم از خود بر آید و مردم باید زیر بار ظلم نرفته با هم اتحاد و قیام علیه ظالم نمایند و لو لادفع الله الناس بعضهم بعضاً لفسدت الارض خداوند تا خود مردم تغییر نکنند و خود را اصلاح ننمایند وضع آنها را بهبود نخواهد بخشید ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یرغبوا و اما بانفسهم با و جو این اگر درد دنیا باز بلا و مشکلات دیدیم نباید حمل بر شر و یاس نمائیم. وسیله تکامل موجودات بطور کلی و ترقی و اصلاح بشر همیشه همین عدم تعادلها و نارضایتیها بوده است که موجب فعالیت قوای روحی و فکری و بدن میگردد عسی ان تکرهوا و اشیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا و اشیئاً و هو شر لکم یعنی هیچوقت نباید مشکلات را بمنزله بدبختی و گرفتاری تلقی نمود. کسی که در راه حق و نیر و حق باشد هر بیش آمدی اعم از خوب و بد برایش خیر و وسیله کمال و سعادت است و اگر کافر در نعمتهای خدا و فاسق بود چه نعمت بر او بدید آورد چه پشت کند موجب ضرر و لغزش خواهد شد (شهود مثال روزمره اجتماع ما زیاد است) معنای عدل را همانطور که قرآن بیان فرموده است باید بشاگردان فهماند: در یافت نتیجه و اثر هر عملی که شخص کرد و اکتسابی که نموده است (لیوفیهم اجورهم بما كانوا یعملون) یا) بما كانوا یکسبون خلق السموات و الارض بالحق و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لایظلمون و فکیف اذا جمعناهم لیوم لاریب فیه و وفیت کل نفس بما کسبت و هم لایظلمون

مسئله امامت نیز با خواندن و مطالعه عمیق سرگذشت ائمه اطهار علیهم السلام و پی بردن

بفضایل و مزایای غیر قابل قیاس که آنها در مقابل مخالفین و مدعیان داشته اند، خود بخود حل میشود یعنی با قبول اینکه علی و اولاد او (ع) از هر جهت بر حق و برتر و شایسته تر برای پیشوایی بوده اند و گرفتار و کردارشان سر مشق هر انسان فضیلت خواه و خدا پرست می باشد دیگر نیازی به بحثهای فلسفی من عندی، منتفی میشود.

۱۲ - نکاتی که در مورد احکام (یا فرودین) بنظر می آید قابل توجه باشد بقرار ذیل است :

اولاً از نظر روانشناسی و اصول آموزش و پرورش نکته ای که خود قرآن بوجه احسن آن را رعایت فرموده است ابلاغ احکام بصورت تذکر و وعظه با ارائه محاسن و مضار و دعوت بتعقل و تفکر و اشاره بشوایب و عقاب میباشد. خیلی کمتر اصرار و اجبار بکار برده شده است (ان الله نعماء يعظكم به لعلكم تتقون - لعلكم تتفكرون - لعلكم تعقلون - مثل کلمه طيبة ک شجرة طيبة - مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله) بنابراین خوب است از عنوان تعبد کور کورانه و تکرار کلمه «باید» یا «واجب» است حتی المقدور احتراز جست بعبارة اخری موهبت اختیار و آزادی را که خداوند به بنی آدم اعطا فرموده و با چنین وسیله مؤثر عجیب و سریع تکامل نوع انسان را نسبت بسایر مخلوقات ممتاز و مسلط کرده است جایز نیست مسلمانان را از آن محروم ساخت شناختن حق آزادی برای طرف و قبول اختیار و شخصیت، وسیله تربیتی بسیار مؤثری میباشد «وما علی الرسول الا البلاغ المبین» ثانیاً تعلیم و توقع اجرای احکام و دستورات بصورت خشک و تشریفاتی صحیح نیست بلکه با زهم باتناسی به سنن سنیة قرآن هر قدر احکام و اوامر خدا بانتمیل و توجه بفایده و آثار آنها بیان شده طرف قواعد حکم و مخصوصاً منظورشان را بفهمد در اجرای آن راغبتر خواهد شد و عمل را صحیح تر و نزدیکتر به نیت شارع انجام خواهد داد. مثلاً غرض از باب طهارت دهر کس بدانند که اصل و اساس پاکیزگی و سلامتی است نه وسوس و ریاضت و تشریفات (ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج ولیکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون ان الله یحب الطاهرین و یحب المتطهرین) و غرض از نماز تذکر و هدایت و تسبیح و تکبیر و تشکر پروردگار میباشد و نتیجه آن باید جلو گیری از فحشاء

و معایب بوده انسان در هر نماز دستور برای تقرب بخدا و هدف زندگی بگیرد نه آنکه چند حرکت بدنی و مقداری ورد و لقلقه زبان تحویل دهد .  
 وقتی احکام را با توجه به مال و حکمت و منظور از آنها را شاگردان بفهمند علاوه بر تسهیل در اجرا موجب تأیید و تحکیم ایمان و علاقه آنها با اسلام خواهد شد و پیش از پیش بقبول و یقین بروحی و رسالت نزدیک خواهند شد .

### توجه فرمائید

این دهمین شماره از مجله مجموعه حکمت است که بدست شما خوانندگان محترم میرسد گمانیکه با مطبوعات سروکار دارند بخوبی میدانند انتشار یک مجله یابک روزنامه چقدر کار دشواریست ولی ما بخواست خدا با تمام سختی ها تا بحال موفق بانجام خدمات دینی خود از راه نشر این مجله شده ایم و باز هم امیدواریم بخواست او موفق باشیم ولی خواننده عزیز به خارج این مجله فقط از راه فروش تأمین میشود و پس ، پس شما هم ما را در این راه خیر و جهاد مقدس کمک کنید و با فرستادن حق اشتراک خود از تعطیل آن جلوگیری نمائید